



بقلم م - هشترودی

از کتاب (پرورش موسیقی)

شیوه‌ی کار نزد استادان هنر

دنباله‌ی شماره‌ی پیش

هرولد گردش کنان با سوت زنان و زهمزه سازان در شاترلیزه موسیقی

میساخت و اگر با بهترین دوستان خود دچار میشد آثار را نمیشناخت

گونی بر سر سفره آهنک میساخت. اگر نه روی کاغذ مینوشت دست کم

در مغز خود حفظ میکرد هنگامی مینکاشت که هرچیز در مغزش روشن باشد چنانکه

دستخطهای او برین مطلب کواهی میدهند همواره دفترچه یادداشتی با خود داشت و

افکار خود را در توی آن مینوشت بتدریج که در مغزش زائیده میشدند و این کار در هر

وقت حتی بر سر سفره هم انجام میگرفت ظاهراً وقت و ساعتی بر نمی‌گزید ولی یقیناً

شب کار نمیکرد بویژه در اواخر زندگانی خود. موقع پس از چاشت را و هنگام عصر و

اوایل شب را ترجیح میداد در اتاق کار فراخ خویش یک ارک بزرگ و یک پیانومیزی

داشت که جای میز هم بکار میبرد

واگنر دوست داشت سرپا در جلو یک میز جعبه‌ای مانند میز حسابداران در

مغازه‌ها بنویسد تکه‌هایش بدون قلم خوردگی با نویسی زیبا و خوانا و محکم در خور

یک مستنسخ کارشناس نوشته میشد

برایوز که جز با کیتار و نی (فلوت) و نی لبك سرو کار نداشت تا کزیر
بر سر میز کار میساخت

سزار فرانک رئیس دبستان یادبیرستان بود از ساعت نه عصر گذشته بساختن
موسیقی میپرداخت چه تمام روز را بدرس دادن و انجام دیگر تکالیف میگذرانید و
شبهها تا دیر باز ادامه میداد او بدیهه ساز شگفتی بود و پیانورا بهر ابزاری برتری مینهاد
و همیشه برای آماده کردن خویش بازدن و نواختن چند تکه از موسیقی دانان معاصر
آغاز مینمود لیکن از تکه هائی که خوشانید وی بودند بیشتر اوقات آثار **Alkan V-C**
را برای نواختن بر میگزید که برای پیانو کار های محکم و هوشمندانه دارد فرانک ابتدا
بر روی دو بردار **Portées** پیانو مینوشت و خط سوم را برای ترسیمات فارقهار کتر
جا میگذاشت سپس سیاهنویس کامل را بامداد طرح و بدقت اصلاح میکرد عاقبت
بخش بندی قطعی را با مرکب مینوشت

میر بر عصرها بطور منظم کار میساخت و بنو کر خود سپرده بود او را نیمه شب
از پیانو جدا کند!

شومان نیز بر سر سفره نغمه سازی مینمود اندکی بامداد اندکی شامگاه کار
میساخت پیش از آنکه يك نت روی کاغذ پیاورد طرح خود را در مغز می پروراند و می
بخت و گذار هائی را روی پیانو میآزمود
مندلسون برخلاف صفت بدیهه سازی داشت و پیانوراز زیاد بکار میبرد و کار
کردن هنگام بامداد را ترجیح میداد

آمبرواز توماس تازن نگرفته بود بر در خانه خود تا بیلندی چشم سوراخی
کنده و از توی آن آیندگان را میباید و جز بر فقا و شاگردان برگزیده ی خویش در
نمیکشود اگر کسی در ساعت هشت بامداد نزد وی میآمد روی پیانوش يك تکه موسیقی
مییافت که بامداد سیاه نوشته بود و بمحض درون آمدن مهمان با دقت تمام کنار میگذاشت
از اینجا میتوان فهمید که او بامدادان و شاید شامگاهان نیز کار میکرد و وقتی بس
بلوغ رسیده رو پیر شدن نهاد همیشه در جیب خود دفتر چه های خط کشیده داشت که

روی آنها افکار سانحه خود را یادداشت مینمود میان گردش یا صحبت یا غذا خوردن دیده میشد که ناگهان سخن خود را بریده بدگانش خیره میگردد سپس از جیب خود دفترچه را بیرون میکشید لیکن هنگام کار و نوشتن مطلق تنهایی کامل برایش ضرورت داشت شب را مرجح میدانست چه در یاریس چه در دهستانها . بیشترین در توی رختخواب ترکیب مینمود و گاهی هم برخاسته چندین ساعت پیایی با پیانو دمساز میشد نکته ی مهم آنست که روزی نگذرانیده که پس از اجرای چند تمرین ورزشی و بهداشتی يك ساعت هم بنواختن گامها و تمرین ها و اتود های موشاس و هومل و شوپن نپردازد شوپن در نظر وی بهترین مصنف بشمار میرفت .

اوبر بطور عموم شبانه تا دیروقت نزدیک ساعت دو یا سه از بامداد کار میکرد تا از هیاهو و غوغای بیرون پرهیزد کلفت پیری داشت که جامه و پیراهنش را می شست روزی نزد اوبر آمده چنین گفت :

«ازار گهای بارباری بدم میآید باز ولوله ای که شبانه در پیانو راه میاندازید بهتر است» این درآمد کلفت اوبر را بسیار خندانید وقتی ضرورت خوشگذرانیش او را برها ساختن کار و ادارا میکرد در ساعت پنج بامداد برخاسته تا ساعت یازده بکار میپرداخت .

دنباله دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

